

# فرهاد میرزا معتمدالدوله

○ ناهید بهزادی



بازگشت به ایران هیچ مقام و منصبی به او واگذار نکرد. شاهزاده چندی بعد در سال ۱۲۹۳ ق. / ۱۸۷۶ م. به مدت پنج سال حاکم فارس گردید و با انضمام این ولایت به قلمرو وسیع ظل السلطان، در ۱۲۹۸ ق. / ۱۸۸۰ م. به تهران فرا خوانده شد و در ۱۳۰۵ ق. / ۱۸۸۷ م. در همین شهر درگذشت.<sup>۱</sup>

منشآت فرهاد میرزا اول بار به دستور مظفرالدین شاه (۲۵-۱۳۱۳ ق. // ۹۰۷-۱۸۹۶ م.) تصحیح و چاپ گردید. مشارالیه محمدنصیر حسینی ملقب به فرصت الدوله شیرازی را عهده دار تصحیح و نگارش تعلیقاتی بر حواشی تحریرات عمویش نمود و فرصت نیز که از سوی شاهزاده در زمان حکومتش در فارس - در سال ۱۲۹۳ ق. - مورد توجه و عنایت قرار گرفته بود، انگشت اطاعت بر دیده منت گذاشت، که این کتاب پس از تصحیح در سال ۱۳۱۸ در بمبئی به چاپ رسید. در حدود ده سال بعد در سال ۱۳۲۷ ق. این تحریرات به همراه منشآت میرزامهدی خان استرآبادی و امیرنظام گروسی در تهران منتشر گردید. در سال ۱۳۶۹ آقای غلامرضا طباطبایی مجد با مقابله نسخه چاپ سنگی فرصت الدوله و نسخه خطی به سال ۱۳۱۷ ق. / که به باور ایشان قدیمی ترین دست نویس این منشآت می باشد، اقدام به تصحیح و انتشار آن نمود.<sup>۲</sup> مصحح در پایان هر نامه با توضیح معانی کلمات و آیات و نیز زندگی برخی از شخصیت ها - با مراجعه به کتاب شرح حال رجال اثر مهدی بامداد - تاحدودی فهم ادبی نامه ها را آسان نموده است. اما در مقاله حاضر نسخه چاپ سنگی به تصحیح فرصت الدوله مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. چرا که علی رغم کیفیت

در باب اهمیت منشآت در تاریخ نگاری سخن بسیار رفته است، ما نیز به ذکر این نکته بسنده می نماییم که مکاتبات، مراسلات و دست نوشته ها صرف نظر از جایگاه ادبی، در فهم وقایع و رخدادهای تاریخی یک دوره به ویژه از آن رو حائز اهمیت هستند که جزئیات دقیق و گاه منحصر به فردی از امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری دوره مربوطه را ارائه می نمایند و بیانگر آراء و اندیشه های دولتمردان و رجال دیوانی می باشند.

منشآت فرهاد میرزا معتمدالدوله از جمله این تحریرات است که در مورد مسایل مختلف سیاسی، مالی و اداری قلمرو حکمرانی وی، به خصوص کردستان آگاهی های مفیدی در اختیار محققان و پژوهشگران می نهد. حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر پانزدهم عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه (۵۰-۱۲۱۲ ق. / ۱۸۳۴-۱۷۹۷ م.) در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۸۱۷ م. دیده به دنیا گشود و طی زندگی تقریباً هفتاد ساله خود به حکمرانی مناطق گوناگونی چون فارس، لرستان، خوزستان، کردستان و همدان منصوب شد. اولین مقام دیوانی وی نیابت حکومت لرستان بود که از سوی برادرش در سال ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م. عهده دار آن گردید. او یک بار در ۱۲۵۳ ق. / ۱۸۳۷ م. که محمدشاه (۶۴-۱۲۵۰ ق. / ۴۷-۱۸۳۴ م.) عازم هرات بود و بار دیگر در ۱۲۵۵ ق. / ۱۸۳۹ م. در سفرش به اصفهان، پایتخت را اداره نمود و به نایب الایاله معروف گردید. در سال ۱۲۵۷ ق. / ۱۸۴۱ م. وی در مقام نایب حکمران به فارس اعزام شد. او در سال ۱۲۷۱ ق. / ۱۸۵۴ م. به دلایلی مورد غضب ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق. / ۹۶-۱۸۴۸

م.) قرار گرفت و به طالقان تبعید گردید، اما پس از چندی بدون اجازه به پایتخت بازگشت و به دلیل مناسبات نزدیک با انگلیسیان به خصوص از زمان حکمرانی اش در فارس به سفارت بریتانیا پناه برد. فرهاد میرزا در سال ۱۲۷۸ ق. / ۱۸۶۱ م. مامور حکومت لرستان و خوزستان شده، ملقب به معتمدالدوله گردید. پس از گذشت دو سال، او از حکومت هر دو ایالت برکنار شد و به عضویت دارالشورای کبرای دولتی در آمد. در سال ۱۲۹۰ ق. / ۱۸۷۳ م. ناصرالدین شاه در آستانه مسافرت به اروپا فرهاد میرزا را به پیشکاری پسر و نایب السلطنه هجده ساله اش کامران میرزا تعیین کرد. این سفر به عزل صدراعظم وقت میرزا حسین خان سپهسالار در اثر مساعی برخی از رجال مذهبی و دیوانی از جمله فرهاد میرزا انجامید. از این رو شاه پس از



منشآت فرهاد میرزا معتمدالدوله از جمله منشآت است که در مورد مسائل مختلف سیاسی، مالی و اداری قلمرو حکمرانی وی به خصوص کردستان آگاهی‌های مفیدی در اختیار محققان و پژوهشگران می‌نهد

حاج میرزا معتمدالدوله پسر پانزدهم عباس میرزا، نایب‌السلطنه فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۵۰ ق. / ۱۸۳۴ - ۱۷۹۷ م.)، در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۸۱۷ م. دیده به دنیا گشود و طی زندگی تقریباً هفتاد ساله خود به حکمرانی

مناطق گوناگونی چون فارس، لرستان، خوزستان، کردستان و همدان منصوب شد



نامطلوب تحریر، ناخوانا بودن کلمات، تکرار لغات و اغلاط املائی فراوان، مصحح با نسخ متعدد - که البته «همه مغلو و نامربوط» بوده‌اند - آشنایی داشته و پس از بررسی بسیار سرانجام نسخه تصحیح شده به وسیله میرزا مهدی خان بن وکیل الدوله شیرازی را که به نظر می‌رسد کامل‌ترین نسخه در آن هنگام بوده، برگزیده است.

اما آنچه که در همه این نسخه‌ها به چشم می‌خورد نارسایی و نقصان توضیحات در مورد شخصیت‌ها و مضمون نامه‌ها می‌باشد که تعقیب و بررسی تاریخی بسیاری از آنها را دشوار نموده است. به ویژه اینکه تعدادی از این نامه‌ها در پاسخ به مراسله دیگری ارسال شده که به جز مواردی که فرهادمیرزا در نامه خود به آن اشاره کرده، از اصل آن اطلاعی در دست نیست فرصت فقط در چند نامه اول به توضیح و معرفی برخی از افراد پرداخته، در برخی دیگر صرفاً به توضیح کلی از موضوع نامه اکتفا کرده و در مورد بعضی از مراسلات اصلاً هیچ شرحی ارائه ننموده است. این کاستی‌ها به خصوص در نامه‌های بدون تاریخ بیشتر نمایان است، چه علی‌رغم اینکه مکاتبات به ترتیب تاریخ تنظیم شده‌اند. اما تعیین تاریخ و شناسایی وضعیت فرهادمیرزا در آن زمان و در نتیجه تحقیق پیرامون موضوع در مکاتبات بدون تاریخ چندان آسان نمی‌باشد. به طور مثال فرهاد میرزا در نامه‌ای خطاب به محسن میرزا امیرآخور درباره طائفه زند و خلج و حواله‌جات مشارالیه به استاد کریم اصفهانی سخن به میان آورده که بدیهی است در صورت داشتن تاریخ امکان بررسی و کسب اطلاعات دقیق‌تر در خصوص

محمدخان پسر اسحق خان قرائی در همین سال، حمله به هرات در زمان عباس میرزا در سال ۱۲۴۹ ق. // ۱۸۳۳ م.، گوشمالی هروی‌ان به وسیله محمدشاه در سال ۱۲۵۲ ق. / ۱۸۳۶ م. و عزیمت به گرگان می‌باشند.

اساساً این بخش بیشتر شایسته توجه ادبی است تا بررسی تاریخی، چه به نظر می‌رسد که هدف فرهادمیرزا در این قسمت قبل از نگارش تاریخ، سخن سرایی و پارسی‌گویی بوده است. که خود به نقل از یکی از دوستانش که از سخن سرایان بلندپایه بود می‌نویسد: «در پارسی، نامه نوشتن که به سخنان تازی آلوده نباشد دشوار است چه بیشتر سخنان در هنگام نوشتن و گفت به تازی آمیخته شده است، چون این سخنان را از آن یار آموزگار دردکش... شنیدم بخود نه پسندیدم که آن یار دمساز از این آرزو بازماند»<sup>۱</sup> پس قلم به دست گرفته و به تحریر این «داستان» پرداخته است. از این رو وقایع‌نگاری او در واقع نگارش داستان تاریخی به سبک ادبی است که ارزش و اهمیت تاریخی چندان ندارد. به‌طور مثال فرهادمیرزا در مورد وقایع سال‌های نخست سلطنت محمدشاه و درگیری او با مدعیان جانشینی در حدود ده صفحه قلمفرسایی نموده بدون اینکه کمترین خبر تاریخی در اختیار خواننده بگذارد.<sup>۲</sup>

بخش دوم کتاب به مکاتبات و مراسلات فرهادمیرزا اختصاص دارد. در این بخش متن چهل و چهار نامه درج گردیده که البته تعدادی از آنها نه انشاء شاهزاده و نه حتی مربوط به وی می‌باشند. چنانکه برخی از آنها از جانب مهد علیا به اعتراضات السلطنه ارسال شده و عمدتاً مربوط به اعطای

وضعیت این طوائف در آن زمان بیشتر می‌نمود. در این نامه او نوشته است «معلوم نیست که زند و خلج حکم امیر اصطلیل را بشنوند پس... حواله‌جات سرکار به استاد کریم اصفهانی... همه خیال و خواب است.»<sup>۳</sup>

در نگاهی اجمالی، منشآت فرهاد میرزا در دو بخش وقایع‌نگاری، و مکاتبات و مراسلات قابل بررسی می‌باشد. بخش اول که در حدود پنجاه صفحه از کتاب را در بر می‌گیرد به وقایع دوره ولیعهدی پدرش عباس میرزا، سلطنت فتحعلی شاه و محمدشاه اختصاص دارد که به طور عمده شامل اغتشاش در یزد و کرمان در سال ۱۲۴۶ ق. / ۱۸۳۰ م.، «غوغای رضاقلی خان پسر امیرگونه خان» در خراسان در سال ۱۲۴۸ ق. / ۱۸۳۲ م.، حمله به ترکمانان سالور در سرخس در ۱۲۴۸ ق.، در هم کوبیدن

**منشآت فرهادمیرزا معتمدالدوله در زمینه مسائل گوناگون مالی، سیاسی و اداری و نیز مناسبات درباریان و به ویژه در خصوص امور کردستان در سال‌های ۸۷-۱۲۸۴ ق. / از منابع ارزشمند و حائز اهمیت به شمار می‌آید**

خلعت از سوی مشارالیها می‌باشد و بعضی نیز نامه‌هایی است که فرهادمیرزا دریافت نموده مانند نامه سلیم سیاه غلام مهد علیا به شاهزاده که طی آن وی خواسته است سرهنگی غلامان سیاه به او واگذار گردد.

نامه‌های فرهاد میرزا به اعتبار نوع نامه و شخص دریافت‌کننده به دو گروه نامه‌های رسمی و شخصی - غیررسمی و به لحاظ مضمون و محتوا به مراسلات سیاسی - اداری و مالی قابل دسته‌بندی می‌باشند و از آنجا که در بررسی حاضر مضمون و محتوای نامه‌ها محل توجه است، به طور عمده به تقسیم‌بندی موضوعی آنها اعتنا شده است. در مورد مکاتبات شخصی شاهزاده باید عنوان نمود که این نامه‌ها که در چارچوب مناسبات دوستانه به منظور احوالپرسی، تبریک و تهنیت و یا اظهار گله‌مندی تحریر شده، از نظر تاریخی قابل بحث نمی‌باشند. مانند: نامه به مؤیدالدوله به تاریخ رجب ۱۲۸۴ ق. که در واقع مباحثه‌ای ادبی است، نامه به حسام‌السلطنه مورخ رمضان ۱۲۸۴ در شرح بیماری‌اش، نامه به آخوند ملا محمود ترکی ادیب ملاباشی ولیعهد، نامه به یکی از اعیان در مقام نصیحت، نامه به مهدعلیا به منظور تبریک سال نو، نامه به اعتضادالسلطنه برای احوالپرسی و یا نامه به نصرت‌الدوله فیروزمیرزا حاکم آذربایجان در مورد بردن عروس از تهران به تبریز.

در طبقه‌بندی موضوعی مکاتبات، بخشی از مهم‌ترین نامه‌های سیاسی شاهزاده مربوط به روزگار حکمرانی او در لرستان و کردستان می‌باشد که در آنها وی به امور سیاسی این ولایات به ویژه کردستان پرداخته است. او که در سال ۱۲۷۸ ق. / به حکومت خوزستان و لرستان اعزام شده بود، مدتی بعد از عزیمت به منطقه در نامه‌ای خطاب به احمدخان پسر عبدالحسین خان مورخ ۱۲۷۹ ق. / ۱۸۶۲ م. ضمن اظهار گله‌مندی از شرایط خود در لرستان به شرح وضعیت گروه‌های مختلفی چون شعرا، علماء، تجار و لشکریان در این منطقه می‌پردازد.<sup>۷</sup>

مجموعه مکاتبات فرهادمیرزا با حسنعلی خان وزیرمختار در زمان حکمرانی شاهزاده در کردستان برجسته‌ترین بخش منشآت مشارالیه به حساب می‌آید. این مراسلات که حداقل هفت نامه را شامل می‌گردد و به طور عمده به مناخلات حسنعلی خان

درامور کردستان پرداخته، به ویژه از این رو دارای اهمیت هستند که شاهزاده همواره در مقام دفاع از خود و نمایاندن حسن مدیریت خویش در اداره امور کردستان گزارشاتی از اوضاع این ایالت ارائه کرده است. حسنعلی خان گروس از ایل کیوند گروس و رئیس این فوج بود که به نظر می‌رسد به بهانه دفاع از گروس‌ها و «قرب جوار» با کردستان در امور آن ولایت دخالت می‌نموده است.

**فرهادمیرزا در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ محرم ۱۲۸۳ ق.** خطاب به وی نوشته است «کردستان هم چنین شیره گلسوز نشده که لایق این همه گفتگو و رفت و رو و کند و پو و جستجو باشد.» و در نامه‌ای دیگر با یادآوری مهربانی و صمیمیت خویش به حسنعلی خان از «ترک‌تازی و نیزه بازی» او در امور کردستان از بعد از انتصابش به حکومت این ولایت گله کرده است.<sup>۸</sup> درباره نقش گروس‌ها در مرافعه این دو در کردستان، شاهزاده در نامه‌ای مفصل به حسنعلی خان به تاریخ جمادی الاولی ۱۲۸۶ ق. / ۱۸۶۹ م. نوشت: «توشته بودید که بی‌لطفی من به عامه گروس‌ها در نظرها ثابت است»<sup>۹</sup> و در همین رابطه در

**مظفرالدین شاه،**

**محمدنصیر حسینی ملقب به  
فرست‌الدوله شیرازی را  
عهده‌دار تصحیح و نگارش  
تعلیقاتی بر حواشی  
تحریرات عمومی نمود**

نامه‌ای مورخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۸۶ ق. / عنوان نمود «اگر بگویند مذاکره شما در امور این سامان با مسامره شما با... کردستان جهت قرب‌جوار گروس است با کردستان در این قرب جوار ولایت همدان نیز شریک است کرمانشاهان نعم الملک و سران سپاه همه دانند که حسبا و نسیا از گروس بالاترند هرگز قلمی و قدمی در اینکار برنداشته‌اند»<sup>۱۰</sup>

فرهاد میرزا به منظور اظهار قدرت در منطقه و نیز نشان دادن «آثار قدرت و علامات شوکت در کار

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / دی و بهمن ۱۳۸۰

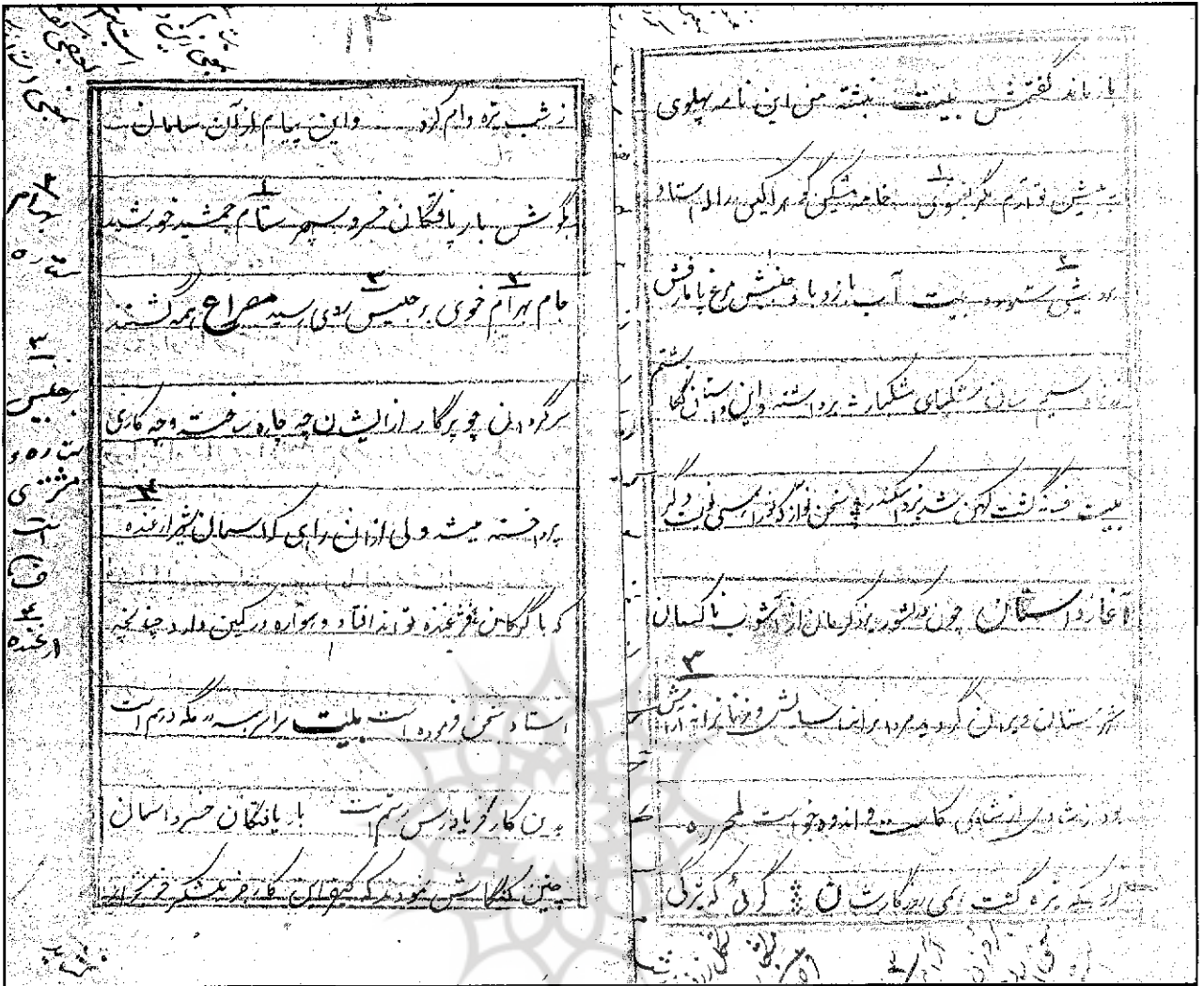


سرحد» گزارشی از فتح اورامان که به تعبیرش «با فتح سیاست‌پایل برابر بود» و از بازسازی قلعه مبارکه شاه آباد در مریوان که «کمتر از فتح اورامان نبود» ارائه می‌دهد. در این گزارش از حضور افواج سه گانه فراگوزنو، خمسه و کردستان به همراه تفنگچیان، بانه، سقز، مریوان و فوج افشار در نبرد اورامان و نیز درباره طول و عرض و مواد ساختمانی قلعه مریوان و اهمیت آن برای «دولت علیه» می‌نویسد و به ویژه افواج خمسه را که «در خدمت سبقت گزیده‌اند» مورد ستایش قرار می‌دهد.<sup>۱۱</sup>

مضمون مکاتبات حسنعلی خان و فرهادمیرزا حکایت از جدال دائمی آنها در کردستان دارد. در اختلافی بین آنها بر سرفرار تعدادی سرباز فوج گروس به کردستان و تقاضای استرداد آنها از سوی حسنعلی خان، شاهزاده در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۸۶ ق. / چنین نوشت:

نوشته بودید حکم کلیه دیوان در ماده نوکر و رعیت بر این است که آنچه رعیت است قاطبةً مطلق باشند که از هر جا به هر جا بخواهند بروند... و آنچه نوکر است عموماً باید مقید باشند... و ساکن همان ولایت باشند... و حکمت این حکم آن است که تا تعدی و بی‌حسابی نباشد رعیتی که صد سال جایی و خانه و کاجال داشته باشد به جایی نمی‌رود و همین که فرار کرد معلومست از تکالیف شاق و حواله‌جات ملایط است... از پارسال تا به حال که در ولایت مردم آسایش دیده‌اند تفرقه‌های کهن‌اند که به خانه و وطن بر می‌گردند و اغلب اهالی دهات گروس... از رعیت کردستانی است که ارباب به جهت حفظ رعیت خود اغلب سرباز را از این رعیت فراری برقرار کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

او ضمن پذیرش تقاضای استرداد سربازان گروس به حسنعلی خان هشدار می‌دهد که «این را هم بهانه بجویند که اگر به سمت همدان و صاین قلعه و زنجان هم رفته باشند همه را به اسم کردستان تمام کنید.»<sup>۱۳</sup> فرهادمیرزا به شدت از مداخله یکی از عمال حسنعلی خان در امور کردستان موسوم به آقا عبدالحسین مؤتمن که به نظر می‌رسد گروس‌ها بوده، خشمناک و ناراضی بود. شاهزاده در پاسخ نامه ارادت حسنعلی خان، در تاریخ ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۸۷ به مشارالیه چنین نوشت: «یقین است که بعد از ورود ولایت (گروس) دانسته‌اید که آنحرفها



همه روایت بوده نه درایت آقا عبدالحسین هر قدر دلیر باشد باز ملایی فقیر است آن جین ذاتی که لازمه ملایی است در طبیعت او مرکوز است...» او با استناد به شکایات گروسی‌ها از مشارالیه، عبدالحسین را تبعید نمود و اعلام کرد «فقط زمانی حاضر به پذیرش وی است که با اعتنار و استغفار به سنجندج آید و بعد از آن پا از جاده ملایی بیرون نگذارد که آخوند مدرسه چه افتاده که مداخله کار رعیت و خان و تفنگ بکند...» شاهزاده بر صاحب اختیاری خویش در کردستان تاکید می‌ورزد و می‌نویسد: «تا در این ولایت از دربار معدلت مدار ماموریت و اختیار دارم نسبت به زیردستان خواه گروس یا کردستان آنچه بدانم برغم شما به سلیقه کج و طریقه موج مجری خواهم داشت.» در این مکاتبات همچنین شاهزاده به نابسامانی وضعیت کشاورزی در کردستان به دلیل سرمازدگی و ملخ‌زدگی محصولات و نیز نیامدن باران و نقصان آب رودها در سال ۱۲۸۷ اشاره می‌نماید.

فرهاد میرزا در زمان حکمرانی در کردستان تا حدودی با امور لرستان نیز مرتبط بوده است. او در

### در نگاهی اجمالی، منشآت فرهاد میرزا در دو بخش وقایع نگاری، و مکاتبات و مراسلات قابل بررسی می‌باشد

نامه‌ای به حشمت‌الدوله به مناسبت تهنیت انتصاب وی به حکمرانی لرستان ضمن ارائه رهنمودهایی به مشارالیه پیشنهاد می‌کند که شخصی به نام حسینقلی خان والی را که در زمان انجام وظیفه او در لرستان «در آن سرحد خوب از عهده خدمت بر آمده» نزد خود نگاه دارد.

شاهزاده در بخشی دیگر از مکاتبات رسمی و غیررسمی خویش به امور مالی پرداخته است. او در نامه‌ای به مستوفی الممالک مورخ ذیقعد ۱۲۸۵ ق. / ۱۸۶۸ م. ضمن ارائه گزارش از چگونگی جمع‌آوری

مالیات در کردستان از مشارالیه در مورد اختصاص قسمتی از مالیات این ولایت به بازسازی قلعه مریوان کسب تکلیف کرده است. نیز در نامه‌ای دیگر به علی‌اکبرخان مباشر جوان‌رود به تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۸۵ ق. / از تعلق آقا محمود نامی که وظیفه گرد کردن مالیات را برعهده داشته شکایت می‌کند و می‌نویسد «حال او از سوی میرزا عیسی سررشته‌دار که اگر آن مسیح بزرگوار احیای اموات داشت این عیسی احیای مالیات خواهد کرد» مورد مواخذه قرار گرفته و میرزا عبدالوهاب را برای رسیدگی به حساب او به کردستان گسیل نموده است. فرهاد میرزا در نامه‌ای غیررسمی به فریدون میرزا فرمانفرما که در پاسخ اهانت مشارالیه به خود در تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۷۰ ق. تحریر و از طالقان ارسال نموده، ضمن گله‌گزاری از فریدون میرزا به شخصی به نام اقامهدی اشاره می‌کند که گویا از سوی او به روستای نظر- که طبق توضیح فرصت نیول فریدون میرزا بوده - اعزام شده و در آنجا با مستوفی فرمانفرما مواجه گشته است و فرهاد میرزا در این نامه از مشارالیه درخواست نموده که در وصول صدتومانی





که در محل مانده آقامهدی را یاری رساند. چرا که «با این اوضاع آقامهدی اگر سیرت دجال را هم پیدا کند از عهده علوی نسب سفلی حسب نمی‌تواند برآید... لطف و عنایت سرکار باید شامل شود و از یک صدتومان متجاوز در محل مانده است و با این اخبار بنای طفره را گذاشته‌اند نداده‌اند که باید به دیوان همایون برسد.»<sup>۳۳</sup> در مجموعه نامه‌هایی که از **مهدعلیا** در منشآت فرهادمیرزا درج گردیده - که دلیل آن روشن نیست - نامه‌ای بدون عنوان به تاریخ محرم ۱۲۸۳ ق. آمده که از فحوای آن به نظر می‌رسد خطاب به **حسام‌السلطنه** حکمران فارس تحریر شده و طبق آن **مهدعلیا** حکمران را مکلف نموده مبلغ صدتومان از بابت پانصد تومان استصوابی او را در فارس به حساب یکی از خواتین مقرر نماید.<sup>۳۴</sup> فرهاد میرزا در برخی از مکاتبات خویش به مناسبات درباریان و نقش پیشکشی و هدایا در تعیین مرتبه و جایگاه افراد اشاره نموده است. او در نامه‌ای رسمی به **ناصرالدین شاه** در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۸۴ از خود در برابر شاه که او را به سبب اندک بودن هدیه‌اش به خست متهم کرده دفاع می‌کند و اینچنین می‌نویسد:

قبله عالمیان می‌داند که مال و نعمت فراوان برای امثال این بندگان یا موروثی است یا مکتسبی اما... ولیعهد... ارثی برای اولاد نمانده است اما مکتسب در ضمن حکومت و منصب است... این بنده درگاه دوسال بحکومت فارس رفت چون استرضای رعیت خلاف رضای حاجی بود به آن غارها و مراتها گرفتار شد... یقین است که این بنده با پنج شش هزار مداخل فلسی و دوپست سیصد خروار حاصل جنسی نخواهد با اشخاصی که هر سال پنجاه شصت نقد مداخل دارند بیست سی هزار جنساً حاصل برابری بکنند.<sup>۳۵</sup>

او که به باور خویش در زمره افراد کم نظیری بود که می‌توانستند «از هزار تومان نقد و یک قطار قاطر محمدییک چشم بپوشد که حبیب باباجانی به سلامت جانی در برد و از هزار تومان اسمعیل خان بگذرد که طلبکاران بیچاره والی سرشان بی‌کلاه نماند.»<sup>۳۶</sup> به پیروی از سایر شاهزادگان در هنگامی که به دلیل برعهده داشتن حکومت کردستان از تهران دور و «بیچاره مهجور و آواره بود» در صدد کسب سهم خویش برآمد و در نامه‌ای خطاب به **اعتضادالسلطنه** وزیر علوم به تاریخ ۱۲۸۵ ق. نوشت «(شاه) هرچه که هر سال عطا می‌فرمودند حتی نارنج که با رنج از آن اشجار می‌چیده‌اند امسال در غیاب این بنده به نور چشمان فرخنده بخشیده‌اند... حالا از شیشه گلاب و کوزه دوشاب و انار طارم آباد و هندوانه فرخ‌زاد گذشتیم، لاقال از آن شاهی عید همایون که در جزو تلامذه دارالفنون حقی داشتم... با چایار ادا نمایند.»<sup>۳۷</sup> و در مکاتبه‌ای با **حسنعلی خان گروسی** که به تهنیت فتح اورامان قالیچه‌ای به وی

هدیه نموده بود نوشت «ماشاءالله در زرنگی تمام هستید که سوغات طهران و مبارکباد فتح اورامان ... به یک قالیچه و بازبچه تمام می‌کنید هیئات هیئات لماتوعنون تا از طوایف تفلیس و ظرایف پاریس و تنسوقات چین و تحف قسطنطنین نفرستید مشکل است که اینکار صورت بگیرد.»<sup>۳۸</sup> و در همین رابطه به معاون الملک که برای رسیدگی به حساب **میرزانشاه** مامور آذربایجان شده بود عنوان نمود «نمیدانم در این قالیچه‌ها که اشکال غریب و شترهای نجیب دارد یکی به ما نصیب خواهد شد.»<sup>۳۹</sup> **فرهادمیرزا** در مواردی با زبان طنز به انتقاد از حکومت پرداخته است او در نامه‌ای خواندنی به **شاهزاده حاجی نگارخانم** در همدان مورخ شعبان ۱۲۹۱ با شرح داستان زنی به نام **پریجان** که «پادو اندرون و بیا و برو بیرون بود» حکومت را به استهزاء می‌گیرد. او می‌نویسد «گویا به عرض نایب الحکومه رسانده‌اند که این گیس سفید والده احتشام الدوله بوده است که مخله اهل محله است... از مصدر حکومت که مظهر خصومت است فراشان... بر سر او مامور شد بر حماری بی‌خمار سوار کرده از سنج بقریه دولا بفرستاده‌اند که بیست تومان هم فراشان خدمتانه گرفته‌اند و هر قدر محترم خانم خواسته است که با اسب و آدم بفرستد گفته‌اند... حکم حاکم است... به جان عزیزت که هیچ ندانستم این کار از چه ماخذ است حکومتی که مایه اختلال او پریجان بشود.»<sup>۴۰</sup> در همین رابطه او در نامه‌ای به دیوان عدلیه در مورد اسمعیل نامی که مدعی است برادرانش او را از ارثیه پدری محروم کرده‌اند به ریشخند می‌نویسد «خیال می‌کنم چاره این کار به دو قسم متصورالحصول و مظنون الوصول است یا به دم عیسوی آن اموات را باید زنده کرد و حق او را مطالبه نمود بشرط اینکه اولاد والیه مرحومه زنده نشود چرا که حکایت پشه و باد است و باز اسمعیل خان محروم و معدوم می‌شود یا دایره باید از رعایت تاریعت کشید که در حق او رعایتی کنند.»<sup>۴۱</sup>

**فرهادمیرزا** در سال ۱۲۷۱ ق. مورد غضب شاه قرار گرفت و به طالقان تبعید گردید در همین رابطه نامه‌ای بدون تاریخ خطاب به **میرزا ابوالقاسم** امام جمعه تهران درج گردیده که در آن وی به منظور شفاعت خواهی نزد شاه از او یاری طلبیده است. **شاهزاده** این نامه را در تهران و قبل از عزیمت به طالقان تحریر نموده چرا که فکر می‌کرد «در صورتی که در طهران که میزان حق و باطل در میان است چنین تهمتی بزنند و کسی فریاد نرسد... در آن وادی اگر... مخافتی بدتر حادث شود» چه سازد.<sup>۴۲</sup> در این نامه او پس از شرح شکست فعالیت آشتی جویانه سایر شیعیان مانند **مهد علیا** و **صدراعظم** برای بر سر مهر آوردن شاه می‌نویسد:

بعرض برسانید که تقصیر فلانی چیست بدعتی در دین و شتعی در آیین نهاده یا لشکری شکست و

قلعه از دست داده یا فلسی در قمار و عرسی در خمار باخته... یا خیانتی در دولت و جنایتی در ملت گذاشته یا چنان کسی است که گمان داعیه در حق او رود که به جزم ملک‌داری باید از عاج و اخراج بشود یا العیاذ بالله بایی بوده که در عقیده‌اش خللی و در طریقه‌اش زللی باشد.<sup>۴۳</sup>

در قسمتی دیگر از این نامه او به روابط خویش با انگلیسیان که به نظر می‌رسد یکی از موارد اتهام وی بوده، اشاره نموده و نوشته است «یکی اینکه خواهند فرمود فلانی چرا با دولت بهیه انگلیس و ماءمورین سفارت راهی دارد اولاً اینکه این آشنایی در عهد شاه مرحوم<sup>۴۴</sup> وقتی بندگان شاهنشاه به هرات تشریف فرما شده و این بنده را در طهران نایب فرمودند بحکم ایشان با سرجان مکاتبی داشت و پس از من که مامور فارس شد بحکم اتحاد دولتین و قرب سرحد که دائماً مراوده بود آشنایی و دوستی پیدا شد.»<sup>۴۵</sup>

در تمامی این نامه‌ها **شاهزاده** به طرز چشمگیری به خودنمایی و تمجید از ویژگی‌های اخلاقی و پای‌بندی خود به شرعیات پرداخته و گاه با قدرت از خصوصیات حکمرانی و گاه از سر ضعف از سجایای مذهبی خویش تعریف نموده است. این خصیصه به ویژه در مکاتبات وی با **حسنعلی خان** برای اطمینان بخشیدن به او «در آسودگی رعیت گروسی» نمایان است، چنانکه پس از فتح اورامان **فخر فروشانه** می‌نویسد «خداوند کبیر در شش روز آسمان و زمین را تقدیر فرمود. اگر این بنده حقیر این ولایت را در شش سال به تحت قاعده بیاورد انشاءالله محل بحث و ایراد نیست.»<sup>۴۶</sup> او در نامه‌اش به **میرزا ابوالقاسم** در زمانی که از سوی شاه مغضوب شده بود نوشت «مردی فقیر و حقیرم شب روز بمحارست ناموس و ممارست قاموس کشیده مشغول درس و کتابم و بحث و آداب نه طایفه و قبیله دارم و نه واسطه و وسیله نه حسد منصب دارم و نه مال برده‌ام و نه درصدم مرتبه و جلال بوده‌ام.»<sup>۴۷</sup>

**فرصت الدوله** در پایان ضمن شرح نامه‌نگاری خویش با **فرهاد میرزا** پس از برکناری مشارالیه از حکومت فارس به درج نامه خود خطاب به **شاهزاده** مورخ ۱۲۹۹ ق. ۱۸۸۱ م. پرداخته است. در این نامه او از این که کسانی که «دارای املاک و دولت‌اند و صاحب اموال و مکتت هر سال میالغ‌ها از دیوان‌العلی به صیغه وظیفه یا مستمری» دریافت می‌کنند در حالی که «مردمان دیگر که از آغاز بلوغ الی ماشاءالله همواره عارج معارج تعلیم و تعلم بوده‌اند... نه مستمری دارند نه تخفیف نه مواجب نه تشریف» گله کرده و با شرح تنگدستی و سختی معیشت خویش از **شاهزاده** وظیفه و مقرری تقاضا نموده است.

در ارزیابی نهایی، منشآت **فرهادمیرزا** معتمدالدوله - که در بردارنده مجموع مکاتبات وی در سال‌های ۹۱-۱۲۵۲ ق. می‌باشد - در زمینه مسائل

گوناگون مالی، سیاسی و اداری و نیز مناسبات درباریان و به ویژه در خصوص امور کردستان در سالهای ۸۷-۱۲۸۴ ق. / از منابع ارزشمند و حائز اهمیت به شمار می‌آید.

### فهرست مکاتبات

۱. نامه به فریدون میرزا فرمانفرما مورخ ۱۲۷۰، ص ۹۲-۷۱
۲. به نصرت‌الدوله فیروز میرزا حاکم آذربایجان مورخ ۱۲۷۶، ص ۱۱۵-۹۲
۳. به احمدخان پسر عبدالحسین خان از خرم آباد لرستان مورخ ۱۲۷۹، ص ۳۱-۱۱۶
۴. نامه سلیم سیاه غلام مهدعلیا به فرهاد میرزا، ص ۳۵-۱۳۲
۵. به شعاع‌السلطنه مورخ صفر ۱۲۸۱، ص ۴۳-۱۳۵
۶. به اعتضادالسلطنه، ص ۴۷-۱۴۳
۷. به محسن میرزا امیرآخور، ص ۴۹-۱۴۷
۸. به میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، ص ۵۱-۱۴۹
۹. به اعتضادالسلطنه از جانب مهدعلیا مورخ ۱۲۸۱، ص ۵۵-۱۵۲
۱۰. به آخوند ملا محمود ترک ادیب ملاباشی، ص ۶۱-۱۵۵
۱۱. به اعتضادالسلطنه از جانب مهدعلیا مورخ ۱۲۸۲، ص ۶۵-۱۶۲
۱۲. نامه مهدعلیا به حکمران فارس مورخ ۱۲۸۳، ص ۷۰-۱۶۶
۱۳. به معاون الملک مورخ ۱۲۸۲، ص ۷۸-۱۷۱
۱۴. به شاه در شکارگاه جاجرود مورخ شوال ۱۲۸۲، ص ۸۴-۱۷۸
۱۵. به شاه در خراسان مورخ ربیع‌الثانی ۱۲۸۴، ص ۹۶-۱۸۴
۱۶. به میرزا ابوطالب وزیر لرستان مورخ جمادی‌الثانی ۱۲۸۴، ص ۲۰۰-۱۹۶
۱۷. به مؤیدالدوله مورخ رجب ۱۲۸۴، ص ۱۲-۲۰۱
۱۸. به حسام‌السلطنه مورخ رمضان ۱۲۸۴، ص ۲۷-۲۱۳
۱۹. به حسنعلی خان وزیر مختار مورخ رمضان ۱۲۸۴، ص ۳۸-۲۲۷
۲۰. در تعریف خاکسی، ص ۴۲-۲۳۹
۲۱. به اعتضادالسلطنه از جانب مهدعلیا مورخ ۱۲۸۴، ص ۴۶-۲۴۲
۲۲. به علی اکبر خان مباشر جوان رود مورخ شوال ۱۲۸۵، ص ۵۴-۲۴۶
۲۳. به اعتضادالسلطنه مورخ ذیقعد ۱۲۸۵، ص ۶۸-۲۵۴
۲۴. به مستوفی الممالک مورخ ذیقعد

- ۱۲۸۵، ص ۷۳-۲۶۸
۲۵. به اعتضادالسلطنه از جانب مهدعلیا مورخ ذیحجه ۱۲۸۵، ص ۸۰-۲۷۳
۲۶. به اعتضادالسلطنه مورخ ذیحجه ۱۲۸۵، ص ۸۸-۲۸۰
۲۷. به مهدعلیا، ص ۹۳-۲۸۸
۲۸. به حسنعلی خان وزیر مختار مورخ جمادی‌الاول ۱۲۸۶، ص ۳۲۱-۲۹۴
۲۹. به میرزا رضا وکیل منشی باشی مورخ رمضان ۱۲۸۶، ص ۳۲-۳۲۱
۳۰. به حسنعلی خان وزیر مختار مورخ ۲۲ ذیقعد ۱۲۸۶، ص ۶۷-۳۳۱
۳۱. به میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، ص ۷۱-۳۶۷
۳۲. به حسنعلی خان وزیر مختار مورخ ۱۵ محرم ۱۲۸۳، ص ۸۱-۳۷۱
۳۳. به حسنعلی خان وزیر مختار مورخ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۸۷، ص ۸۹-۳۸۲
۳۴. به اعتضادالسلطنه مورخ ۱۲۸۷، ص ۹۳-۳۸۹
۳۵. به حسنعلی خان وزیر مختار پنجم جمادی‌الاول ۱۲۸۷، ص ۹۵-۳۹۳
۳۶. به یکی از اعیان در مقام نصیحت ۹۸-۳۹۶
۳۷. به حسنعلی خان وزیر مختار سوم ذیحجه ۱۲۸۷، ص ۴۰۷-۳۹۹
۳۸. به میرزا عیسی وزیر ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۲۸۸، ص ۴۰۹-۴۰۷
۳۹. به میرزا حسین دبیرالملک ۱۴-۴۱۰
۴۰. به حشمت‌الدوله از سندج مورخ ربیع‌الثانی، ص ۱۸-۴۱۴
۴۱. به دیوان عدلیه، ص ۲۴-۴۱۸
۴۲. به میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران، ص ۴۰-۴۲۴
۴۳. به شاهزاده حاجی نگارخانم در همدان مورخ شعبان ۱۲۹۱، ص ۴۵-۴۴۰
۴۴. به وزیر مختار (معین‌الملک) مورخ ۱۱ ذیقعد ۱۲۹۲، ص ۴۹-۴۴۵
۴۵. نامه فرصت‌الدوله شیرازی به فرهاد میرزا مورخ ۱۲۹۹
- پی‌نوشت‌ها:
  ۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷، صص ۹۲-۸۶.
  ۲. فرهاد میرزا معتمدالدوله، منشآت، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
  ۳. فرهاد میرزا معتمدالدوله، منشآت، به تصحیح فرصت‌الدوله شیرازی، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۳۱۸، صص ۴۹-۱۴۸.
  ۴. همان، ص ۱۸.
  ۵. همان، ص ۱۲.

۶. فرهاد میرزا در حواشی کتاب زندگی عباس میرزا به قلم مسعود ایشلقلی (گرمرودی) از منشیان فتحعلی شاه در خصوص وقایع مذکور یادداشت‌های ارزنده‌ای تحریر نموده است. حاجی میرزا مسعود مستوفی انصاری: تاریخ زندگی عباس میرزا نایب السلطنه، به کوشش محمد گلبن، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹.
۷. منشآت فرهاد میرزا معتمدالدوله، به تصحیح فرصت‌الدوله شیرازی، صص ۲۵-۱۱۹.
۸. به نظر می‌رسد تاریخ مذکور اشتباه باشد چرا که در این زمان فرهاد میرزا حکمرانی کردستان را برعهده نداشت به علاوه اینکه او در نامه‌اش چنین قید نموده که، در این دو سال چقدر رعیت گروسی آسوده بوده‌اند که اشاره به مدت حکومت خویش در این ولایت می‌باشد بنابراین تاریخ صحیح باید ۱۲۸۶ ق. / باشد.
۹. همان، ص ۳۷۹.
۱۰. همان، ص ۴۰۱.
۱۱. همان، ص ۳۰۳.
۱۲. همان، ص ۳۴۰.
۱۳. همان، صص ۱۸-۳۰۶. صدیق‌الممالک در منتخب‌التواریخ شرح شاهزاده از فتح اورامان را با تفاوتی اندک عیناً درج نموده است، میرزا ابراهیم شبیبانی (صدیق‌الممالک): منتخب‌التواریخ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶، صص ۵۳-۱۵۰.
۱۴. همان، صص ۵۶-۳۵۲.
۱۵. همان، ص ۳۵۷.
۱۶. همان، ص ۳۸۴.
۱۷. همان، ص ۴۰۵.
۱۸. همان، ص ۴۰۳.
۱۹. همان، ص ۲۵۱.
۲۰. اشاره به میرزا سیدعلی مستوفی فرمانفرماست که در آن سال نایب‌الحکومه روستای نظر بوده است.
۲۱. همان، ص ۹۲.
۲۲. همان، ص ۱۷۰.
۲۳. همان، صص ۹۳-۱۸۸.
۲۴. همان، صص ۸۱-۳۸۰.
۲۵. همان، صص ۸۸-۲۸۷.
۲۶. همان، صص ۳۰۶-۳۰۵.
۲۷. همان، ص ۱۷۶.
۲۸. همان، صص ۴۵-۴۴۲.
۲۹. همان، ص ۴۲۳.
۳۰. همان، ص ۴۲۹.
۳۱. همان، ص ۴۳۲.
۳۲. منظور محمدشاه می‌باشد.
۳۳. همان، ص ۴۳۶.
۳۴. همان، ص ۳۷۷.
۳۵. همان، ص ۴۳۳.